

**Explaining the influence pattern of human institution and behavior based on
Islamic teachings and explaining its application in providing scenarios
supporting domestic goods**

Mohammad Mahdi Kazemi Najafabadi *

Received: 2021/01/01

Ahmad Googerdchian **

Accepted:2021/10/06

Khadijeh Nasrollahi ***

Mohammad Vaez ****

Abstract

One of the fundamental issues in the field of the impact of institution and individual on each other is to provide a causal relationship between the individual and the institution, as well as to explain the mechanism and process of interaction between the two. The present research first extracts the causal relationship between the individual and the institution. Then, using the two concepts of "properties and commons" and "difference in wills", it explains the mechanism of influence of individual and institution on each other. Recent work has, firstly, substantiated the result of examining the causal relationship that was identified from person to institution in this study, and secondly, by stating that the influence of the individual and the institution in different situations can take various forms, removes this doubt. It shows that the precedence and latency of an institution or individual, like the parable of the hen and the egg, is not a vicious circle or sequence, but has the possibility of a logical explanation. Finally, the research expresses the application of the model in introducing scenarios that support domestic goods and explains that what kind of relationship between the components of the model can lead to the protection of domestic goods. It should be noted that the present study in the first part has used the method of documentation and libraries and refers to the Holy Quran as the main religious source and in the second part has used the method of scenario writing as a tree of probability.

Keywords: Institution; New Institutionalism; Old Institutionalism; Originality of the Person; Originality of the Society.

JEL Classification: B15, D02, D10, E02, Z10

* Ph.D Student, Department of Economic, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Iran. mo.kazemi@ase.ui.ac.ir

**Assistant Professor, Department of Economic, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan,Iran (Corresponding Author). a.googerdchian@ase.ui.ac.ir

*** Associate Professor, Department of Economic, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Iran. kh.nasrollahi@ase.ui.ac.ir

**** Associate Professor, Department of Economic, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Iran. vaez@ase.ui.ac.ir

تبیین الگوی تأثیر و تأثر نهاد و رفتار انسانی بر اساس آموزه‌های اسلامی و کاربرد آن در ارائه سناریوهای حمایت‌کننده از کالای داخلی^۱

محمد مهدی کاظمی نجف‌آبادی*

احمد گوگردچیان**

خدیدجه نصراللهی***

محمد واعظ****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴

چکیده

یکی از مسائل بنیادین در زمینه تأثیر نهاد و فرد بر یکدیگر، ارائه جهت رابطه علیت میان فرد و نهاد و همچنین تبیین سازوکار و فرآیند تأثیر متقابل این دو است. تحقیق حاضر ابتدا رابطه علیت میان فرد و نهاد را استخراج کرده و سپس با استفاده از دو مفهوم «خواص و عوام» و «تفاوت در اراده‌ها» به تبیین سازوکار تأثیرگذاری فرد و نهاد بر یکدیگر می‌پردازد. کار اخیر اولاً نتیجه بررسی رابطه علیت که در این تحقیق از فرد به نهاد تشخیص داده شد را مستدل کرده است و ثانیاً با بیان اینکه تأثیر و تأثر فرد و نهاد در شرایط مختلف می‌تواند شکل‌های گوناگونی به خود بگیرد این شبهه را برطرف می‌نماید که تقدم و تأخر نهاد یا فرد همانند مثل مرغ و تخم‌مرغ یک دور باطل یا تسلسل نیست، بلکه کاملاً امکان تبیین منطقی را دارا است. این تحقیق در نهایت با تبیین کاربرد الگو در زمینه معرفی سناریوهای حمایت‌کننده از کالای داخلی، بیان خواهد کرد چه رابطه و نسبتی میان مؤلفه‌های الگو می‌تواند منتج به حمایت از کالای داخلی شود. لازم به ذکر است که تحقیق حاضر در بخش اول از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و مراجعه به قرآن کریم به‌عنوان اصلی‌ترین منبع دینی و در بخش دوم از روش سناریونویسی به صورت درخت احتمالات استفاده کرده است.

واژگان کلیدی: نهادگرایی؛ نهاد؟ اقتصاد نهادگرایی جدید؛ اقتصاد نهادگرایی قدیم؛ اصالت فرد؛ اصالت جامعه.

طبقه‌بندی JEL: B15, D02, D10, E02, Z10

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکترای محمد مهدی کاظمی نجف‌آبادی است.

* دانشجوی دکترای گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

mo.kazemi@ase.ui.ac.ir

** استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

a.googerdchian@ase.ui.ac.ir

*** دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

kh.nasrollahi@ase.ui.ac.ir

**** دانشیار گروه اقتصاد دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، ایران.

vaez@ase.ui.ac.ir

مقدمه

ثمره انسان‌شناسی‌های مختلف، تفاوت‌های قابل ملاحظه در نگرش‌ها و تحلیل‌های اقتصادی است. این مسئله در ادبیات نهادگرایی نیز جاری است. لذا در رابطه با مسئله تحقیق حاضر باید گفت که مکاتب مختلف در مورد تأثیرگذاری نهاد بر شکل‌گیری رفتار انسانی و تأثیرگذاری رفتار انسان‌ها در ایجاد نهاد بر مبنای شناخت خود از انسان، نظرات گوناگونی مطرح کرده‌اند. عده‌ای همانند جامعه‌شناس معروف امیل دورکیم^۱ تأثیر محیط و امور اجتماعی بر رفتار انسانی را یک‌طرفه می‌دانند و معتقدند واقعیت اجتماعی نسبت به رفتار افراد جنبه بیرونی دارد و از چنان قدرت وادارنده‌ای برخوردار است که بر فرد و اراده او تحمیل می‌شود. او این مفهوم را با اشاره به غیر وابسته بودن متغیرهای کلان به رفتارهای شخصی قابل مشاهده افراد بیان می‌کند (Picavet, 2015, p.305). با تطبیق این نظریه در ادبیات نهادی، می‌توان گفت باتوجه به نظر افرادی چون دورکیم، شکل‌گیری نهادها خارج از دایره اراده انسانی و به‌صورت یک‌طرفه، شکل‌دهنده رفتار انسانی خواهد بود. از طرف دیگر در تحلیل‌های کلاسیک، نهادها هیچگونه نقشی ندارند، بلکه در آن، رفتار افراد صرفاً با در نظر گرفتن سلايق و ترجیحات و در چارچوب منطقی خاصی _ رفتار عقلایی^۲ _ تبیین می‌شود (فرجی دیزجی، ۱۳۹۲، صص. ۲۳-۲۴). لذا در این دیدگاه شکل‌گیری نهادها نیز در پرتو همین ترجیحات و سلايق افراد و به عبارتی رفتار عقلایی آنها تحلیل می‌شود. آنچه در عالم واقع رخ می‌دهد چیزی متفاوت از دو تبیین فوق بوده است و هیچیک از این دو تبیین نتوانسته همه اتفاقات و واقعیات را توضیح دهد. البته برخی اندیشمندان اقتصاد نهادگرایی با طرح مسئله نهادها و تأثیری که بر رفتار اقتصادی افراد می‌گذارند و تأثیری که از آن می‌گیرند نظر سومی را مطرح کردند؛ اینکه این تأثیر دوطرفه است؛ یعنی هم افراد به نوعی در ایجاد نهادها دخیل هستند و هم نهادها در شکل‌گیری یا تغییر رفتار انسان‌ها تأثیرگذار هستند. لذا دیدگاه نهادگرایی با ادبیات و روش رفتار عقلایی متفاوت

است (هاجسون، ۱۹۹۸، ص. ۱۶۸). اما باید بررسی شود با توجه به انسان‌شناسی مطرح در آموزه‌های اسلامی و با توجه به جهان‌بینی‌ای که این آموزه‌ها به ما می‌دهد، شناخت ما از تأثیر «نهاد» بر «رفتار انسانی» و تأثر آن به چه نحو خواهد بود و مهمتر آنکه سازوکار این تأثیرگذاری به صورت مستدلّ به چه شکل قابل توضیح است. لذا در مجموع تبیین جهت علیّت میان «نهاد» و «رفتار انسانی» و سازوکار تأثیر، دو رکن الگویی را تشکیل می‌دهد که تحقیق حاضر در بخش اول درصدد تبیین آن است.

تحقیق در بخش دوم با استفاده از مؤلفه‌های مطرح شده در بخش اول (یعنی ساختار نهادی، خواص و عوام تأثیرناپذیر و خواص و عوام تأثیرپذیر) و بیان تأثیر و تأثرات احتمالی میان آنها، ابتدا سناریوهای احتمالی را با استفاده از تکنیک درخت احتمالات استخراج کرده است. سپس با تجزیه و تحلیل آنها، به معرفی سناریوهایی پرداخته که در آن جامعه قطعاً از کالاهای داخلی حمایت خواهد کرد.

اکنون اشاره به نکاتی لازم است. نکته اول اینکه شکل‌گیری علوم انسانی مثل اقتصاد اسلامی نیازمند پرداختن به برخی مبانی نظری است. مبانی که جهان‌بینی اندیشمندان را شکل می‌دهد و آنها را قبل از پرداختن به تحلیل رفتارهای اقتصادی انسان‌ها، مجهز به ابزارهای شناختی صحیح می‌کند. یکی از این مبانی، انسان‌شناسی است. از آنجا که دامنه تحقیق حاضر مبانی انسان‌شناسی (و تا حدی مبانی جامعه‌شناسی) اقتصاد اسلامی را شامل می‌شود آنچه می‌تواند بخش اول تحقیق حاضر را به عنوان تحقیقی در چارچوب اقتصاد بگنجانند، دیدگاه و جهان‌بینی است که برای اقتصاددان اسلامی در تحلیل رفتار انسان موجود در یک محیط اجتماعی شکل می‌گیرد. این در حالیست که پرداختن مستقیم این بخش به تحلیل رفتارها و تصمیمات اقتصادی انسان کم‌رنگ بوده است. نکته دیگر اینکه شاید این سؤال پیش آید که فایده بخش دوم و ارائه سناریوهایی شامل احتمالات و حالت‌های ممکن چیست و این مسئله چه کمکی به ما در حرکت دادن جامعه به مسیر حمایت از تولیدات داخلی خواهد کرد. در جواب باید گفت که دانستن

این مسئله می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای اینکه پژوهش‌های آتی بر روی عوامل مؤثر بر تحقق احتمالات کار کنند. در نهایت نیز با دانستن علت تحقق هر کدام از احتمالات و در نهایت سناریوها، می‌توان برای رسیدن به سناریوهای مطلوب و منتخب برنامه‌ریزی کرد.

سیر تحقیق بدین صورت است که پس از بیان کلیات و مفاهیم، جهت رابطه علیت با ارائه و نقد گزینه‌های ممکن بیان می‌شود. در ادامه ابتدا مؤلفه‌های مورد نیاز برای تحلیل سازوکار تأثیرگذاری فرد و نهاد از آیات قرآنی استخراج می‌شود و سپس با استفاده از این مؤلفه‌ها، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رفتار نسل‌های بشری در دو حالت «اولین نسل بشر» و «نسل‌های بعدی» مورد کاوش قرار می‌گیرد تا از این مجرا به یک تحلیل صحیح در مورد سازوکار تأثیرگذاری فرد و نهاد بر یکدیگر برسیم. در نهایت و در بخش آخر تحقیق نیز با ارائه طرح‌واره الگو، تأثیرات مؤلفه‌های آن بر یکدیگر، در نظر گرفتن حالت‌های ممکن برای هر یک و قرار دادن این احتمالات کنار یکدیگر سناریوهای محتمل استخراج می‌شود. سپس با بررسی تک تک آنها، سناریوهایی که طی آن جامعه به طور قطع از تولید داخل حمایت می‌کند، ارائه خواهد شد.

۱. سابقه تحقیق:

در منابع اثری که براساس آیات قرآن و دیدگاه دینی به این سؤال پرداخته باشد، یافت نشد. البته افراد دارای نگرش‌های مختلف، نظراتی در پاسخ به این مسئله ارائه کرده‌اند اما هر یک با فرض مکتب و جهان‌بینی خود این کار را انجام داده‌اند. لذا در ادامه مواردی جهت تنقیح بیشتر مسئله آورده شده است. البته به برخی دیدگاه‌های جامعه‌شناختی اندیشمندان دینی که می‌تواند در حل مسئله تحقیق کمک کند نیز اشاره می‌شود.

مطهری (بی تا) در جلد پنجم از مجموعه نوشتارهای مربوط به جهان‌بینی اسلامی با عنوان «جامعه و تاریخ» نظرات مختلفی در مورد نسبت فرد با جامعه مطرح می‌کند و در

نهایت رأی به این می‌دهد که در جهان‌بینی اسلامی هم فرد و هم جامعه اصالت دارد؛ فرد در جامعه منحل نخواهد شد و اختیارش در انتخاب نوع رفتار سلب نمی‌شود و اثر جامعه بر فرد و رفتار او نیز رد نمی‌شود. لذا ایشان در این زمینه دیدگاه «امر بین الأمرین»^۳ را برگزیده‌اند.

مصباح یزدی (۱۳۶۸) در کتاب خود با عنوان «جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن» اصالت فلسفی جامعه را رد می‌کند اما کماکان قائل به تأثیر متقابل فرد و جامعه بر یکدیگر است. لذا در همین راستا به بیان انواع تأثیرات جامعه بر فرد و فرد بر جامعه اشاره می‌نماید.

هاجسون (۱۹۹۸) سؤال در مورد تقدّم و تأخّر نهاد و رفتار فردی (یعنی اینکه کدامیک اول وجود داشته و باعث به وجود آمدن دیگری شده) را به مثابه سؤال در مورد این دانسته است که آیا ابتدا تخم مرغ وجود داشته یا مرغ. لذا پاسخ به آن را ضروری نمی‌داند. در عوض او تأکید می‌کند بر اینکه باید ببینیم چه فرآیندی باعث پیشرفت و گسترش هر کدام از آنها خواهد شد و بیان می‌کند که فرد متأثر و محدود به نهادهاست و نهادها به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه توسط اشخاص شکل گرفته و تغییر می‌یابند.

مشهدی‌احمد (۱۳۹۲) در مقاله خود با نام «معنا و مفهوم نهاد در اقتصاد نهادگرا، نگاهی به اختلافات موجود بین نهادگرایی قدیم و جدید و نقش نهادها در مناسبات اقتصادی» به بیان اعتقادات نهادگرایی قدیم و نهادگرایی جدید می‌پردازد. سپس با ارائه نظریاتی از اندیشمندان نهادگرایی قدیم، بیان داشته که شرایط نهادی و عادات اجتماعی در سلايق و خواسته‌های افراد و به معنایی جامع‌تر در رفتار انسان‌ها - تأثیرگذار خواهد بود؛ چیزی که در نظرات اندیشمندان نهادگرایی جدید وجود ندارد. او با ارائه شاهد مثال‌هایی از نظرات اندیشمندان نهادگرایی جدید بیان می‌کند که آنها شکل‌گیری نهادها را در ارتباطی یک‌سویه و برآمده از رفتار عقلایی و ترجیحات انسان‌ها می‌دانند. نهادگرایان جدید همچنین نهادها را اموری داده شده فرض می‌کنند. در دیدگاه

نهادگرایی جدید تمرکز اصلی بر شناخت نهادهای موجود و همچنین تأثیر اقتصادی آن خواهد بود. لذا در این دیدگاه، نگاه به نهادها صرفاً شناخت و پیش‌بینی خواهد بود و جهت‌دهی و تغییر در نهادها وجود ندارد.

تحقیق پیش‌رو چند تمایز برجسته نسبت به کارهای قبل دارد. یکی نوآوری در زمینه بیان جهت‌علیت میان نهاد و فرد و این مسئله است که در عین پذیرش تأثیر متقابل این دو، می‌توان به شکلی کاملاً منطقی جهت‌علیت میان فرد و نهاد را تبیین کرد که در آن ایراداتی مثل دور باطل یا تسلسل نیز وجود نداشته باشد. تمایز برجسته دیگر تحقیق این است که با استفاده از مؤلفه‌های مستخرج از قرآن به‌عنوان اصلی‌ترین منبع نقلی استنباط دین‌سازوکار تأثیرگذاری میان فرد و نهاد را تبیین نموده است. تحقیق همچنین با ارائه طرح‌واره‌ای از مؤلفه‌ها و تأثیر آنها بر یکدیگر توانسته است سناریوهای احتمالی را در موضوع حمایت از کالای داخلی استخراج کند. البته لازم به ذکر است که طرح‌واره ارائه شده در مورد موضوعات اجتماعی دیگر نیز قابل استفاده است.

۲. بیان مفاهیم (ادبیات موضوع): معنای نهاد

مطالعه نظرات متفاوت اندیشمندان در مورد تعریف نهاد نشان می‌دهد که در این زمینه اجماعی وجود ندارد. اما با نگاه به آثار اندیشمندان در این زمینه خواهیم دید که عرف‌ها، آداب و عادات رفتاری اجتماعی حداقل به عنوان جزئی از آن در نظر گرفته شده است. در همین رابطه به برخی نظرات اشاره می‌شود:

به‌نظر وبلن، نهاد به گروهی از عادات تثبیت‌شده فکری گفته می‌شود که در میان عموم افراد حاضر در یک جامعه مشترک است (وبلن، ۱۹۰۹، ص. ۶۲۶). لذا با در نظر گرفتن مفهوم نهاد به‌عنوان یک سیستم قواعد اجتماعی سازماندهی‌کننده کنش‌های اجتماعی (هاجسون، ۲۰۰۶، ص. ۲)، می‌توان عادات رفتاری که در میان عموم افراد جامعه معمول شده و به شکل یک قاعده رفتاری ضمنی درآمده را منشأ ایجاد بخشی از

نهادهای اجتماعی نامید. درست شبیه رسم و رسومات اجتماعی که هاجسون آن را به عنوان مثالی از یک قاعده نهادی می‌داند (۲۰۰۶، ص. ۲).

وبلن در جای دیگر، علت پیشرفت در نهادها و عادات انسان را انتخاب طبیعی مناسب‌ترین عادت‌ها و تفکرات و همچنین نتیجه فرآیند انطباق قهری با محیط در حال دگرگونی می‌داند (وبلن، ۱۳۸۳، ص. ۲۰۹ به نقل از مشهدی‌احمد، ۱۳۹۲). همیلتون، اندیشمند دیگری که در رابطه با مفهوم نهاد نظر داده است. او نهاد را شیوه معمول و مداوم رفتار و اندیشه می‌داند. چیزی که در عادت‌های یک جامعه انسانی یا سنت‌های یک ملت نهادینه شده است (هاجسون، ۱۹۹۸، ص. ۱۷۹). آیرس در رابطه با منشأ خواسته‌ها و ترجیحات انسان بیان می‌کند که اینها برای یک انسان اصالت ندارند و فرآیندهای فیزیکی ژنتیکی نیستند. او در این زمینه بر مفهوم عادات اصرار می‌کند. لذا خواسته‌ها را یکسری ویژگی‌های روحی در نظر نمی‌گیرد، بلکه آنها را عاداتی اجتماعی می‌داند. لذا نقطه شروع هرکس را آداب و رسوم جامعه‌اش بیان می‌دارد (هاجسون ۲۰۰۰، صص. ۳۲۴-۳۲۵).

البته وقتی به نوشته‌های اقتصاددانان نهادگرایی جدید نگاه می‌کنیم خواهیم دید که نهاد به معنای فوق تنها بخشی از کل دامنه نهادها را به خود اختصاص می‌دهد. داگلاس نورث^۴ به عنوان یکی از مشاهیر اقتصاد نهادگرایی جدید در ذیل بحث از ثبات و تغییر نهادی محدودیت‌ها یا نهادهای غیررسمی را چیزهایی تعریف می‌کند که مردم برای ساختار بخشیدن به روابط خود با دیگران بر خویش تحمیل می‌کنند (نورث، ۱۳۸۵، ص. ۶۹). او مصادیق محدودیت‌های غیر رسمی را اموری از قبیل آداب و رسوم، سنت‌ها و عرف مطرح می‌کند (نورث، ۱۳۸۵، صص. ۱۳۵-۱۳۶). البته قوانین مدون را نیز با نام محدودیت‌های رسمی به تعریف نهادها اضافه می‌کند (نورث، ۱۳۸۵، ص. ۸۳). همچنین ویلیامسون^۵ اندیشمند معروف دیگر اقتصاد نهادگرایی جدید، با تعریف ۴ سطح برای یک تحلیل اجتماعی، نهاد به معنای نخست را در سطح اول تحلیل اجتماعی

جای می‌دهد و جایگاه آن را در قسمت پنهان جامعه می‌داند. او سطح دوم تحلیل اجتماعی را محیط نهادی می‌نامد که شامل قواعد رسمی بازی در یک جامعه است و به‌طور خاص شامل سیاست، نظام قضایی و اداری می‌شود. همچنین سطح سوم را حکمرانی به معنای خود بازی (رفتارها و کنش‌های عوامل اقتصادی) تعریف می‌کند که به‌طور خاص شامل نظام قراردادها است؛ یعنی آنچه ساختارهای حکمرانی را همسو با مبادلات می‌کند. در نهایت سطح چهارم را همان اقتصاد نئوکلاسیکی یا نظریه عوامل می‌داند که البته محل بحث تحقیق حاضر نیست. او هرکدام از سطوح قبل را ایجادکننده قیودی برای سطح بعدی می‌داند و بیان می‌دارد که تاریخ‌دانان اقتصادی متعددی به تحلیل نهادها در سطح اول پرداخته‌اند اما از آنجا که تغییرات آن در طول زمان بسیار آهسته است در اقتصاد نهادگرایی جدید این سطح از نهادها ثابت و به‌عنوان پیش‌فرض در نظر گرفته می‌شوند (ویلیامسون، ۲۰۰۰، ص. ۵۹۶). البته ویلیامسون این اذعان را هم دارد که شناسایی و کشف سازوکارهایی که نهادهای غیررسمی از طریق آن به‌وجود می‌آیند و باقی می‌مانند کمک مهمی در فهم تغییرات آهسته نهادهای سطح اول در بلندمدت دارد (۲۰۰۰، ص. ۵۹۷). لذا می‌توان گفت در اقتصاد جای نظریه‌پردازی در این حیطه برای فهم تغییرات بلندمدت خالی است. ویلیامسون حیطه فعالیت اقتصاد نهادگرایی جدید را سطح دوم و سوم بیان می‌دارد.

البته در اینجا قبل از جمع‌بندی نسبت به مفهوم نهاد، یک جمع‌بندی در رابطه با منظور نویسندگان از نهادگرایی قدیم و جدید مطرح می‌گردد. در منابعی، نهادگرایی با استفاده از معیار زمان به قدیم و جدید دسته‌بندی شده است. لذا آثار نوشته شده از اول دهه ۸۰ میلادی به بعد در حیطه نهادگرایی جدید می‌گنجد (Hall & Taylor, 1996, p.936). همچنین نهادگرایی جدید در این برهه زمانی از نظر رویکرد تحلیلی به نهادگرایی تاریخی^۶، نهادگرایی انتخاب عقلایی^۷ و نهادگرایی اجتماعی^۸ تقسیم شده است (Hall & Taylor, 1996, p.936).

اما وجه متمایز دیگری نیز برای تفکیک نهادگرایی به قدیم و جدید مطرح شده است. در اینجا نهادگرایی جدید مجموعه دیدگاه‌هایی است که در آن افراد و الگوی رفتاری آنها در ارتباط با نهادها مفروض و برونزا در نظر گرفته می‌شود که وجه متمایز اصلی آن با نهادگرایی قدیم محسوب می‌شود (Dequech, 2002, p.570). البته اقلیت آنهایی که در جرگه نهادگرایی جدید تعریف می‌شوند از معیار اخیر استثناء شده‌اند (Dequech, 2002, p.570).

وجود استثناء فوق خود دلالت بر این دارد که معیار نظری مطرح شده به خوبی نتوانسته وجه متمایز خوبی برای تفکیک کامل نهادگرایان جدید از قدیم باشد. لذا در یک جمع‌بندی باید گفت وجه متمایز آن که نهادگرایان را به دو دسته قدیم و جدید تقسیم‌بندی می‌کند معیار زمان و تاریخ است. البته به این معیار این نقد جدی وارد است که نمی‌توان فایده‌ای برای این تقسیم‌بندی تصور کرد.

در جمع‌بندی نسبت به مفهوم نهاد می‌توان گفت علی‌رغم عدم وجود اجماع بر تعریف و مصادیق نهاد در میان اندیشمندان مختلف و نحله‌های اقتصادی، عرف‌ها، آداب و عادات رفتاری موجود در یک جامعه یکی از مصادیق بارز نهادهای اجتماعی محسوب می‌شود. لذا می‌توان نهادهای یک جامعه - یا حداقل بخش مهمی از آن - را مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و صفات رفتاری دانست که در میان افراد آن جامعه شیوع و عمومیت دارد. لذا در ادامه تحقیق منظور از نهاد همین معنا است.

۳. الگوی تأثیر و تأثر نهاد و رفتار انسانی بر اساس آموزه‌های اسلامی

تحقیق حاضر برای یافتن الگوی مذکور به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. یکی ارائه جهت رابطه علیت است. مسئله دیگر تحلیل سازوکار تأثیرگذاری میان رفتار انسانی و نهاد است.

۳-۱. بیان جهت رابطه علیت

در این قسمت ابتدا سه نظر ممکن در مورد جهت تأثیرگذاری میان فرد و نهاد بیان می‌شود. سپس یک جمع‌بندی از این مسئله ارائه می‌شود.

۳-۱-۱. نهادها در رابطه‌ای یک سویه باعث شکل‌گیری رفتار انسانی می‌شوند

در این حالت، نهادها نحوه رفتار، ترجیحات و انتخاب‌های اقتصادی افراد را شکل می‌دهند و هیچگونه تأثیری از رفتار برخاسته از اراده افراد نمی‌پذیرند.

این نظر با دیدگاه اقلیتی از نهادگرایان جدید قابل تطبیق است. همچنین اگر به جامعه دید ایستا و مقطعی داشته باشیم، می‌توان نسبتی میان دیدگاه نهادگرایی قدیم و این نظر یافت. در این نوع نگاه، نهادگرایی قدیم قائلند به اینکه افراد به واسطه محیط‌های نهادی و فرهنگی خود شکل می‌گیرند (Hogson, 2000, p.327). به عبارت دیگر افراد و الگوی رفتاری آنها مفروض و داده شده در نظر گرفته نمی‌شود (Dequech, 2002, p.270). این مسئله در رویکرد تحلیلی تاریخی نهادگرایی جدید وجود دارد (Hall & Taylor, 1996, p.937) و برای نهادگرایی اجتماعی (یکی دیگر از شاخه‌های نهادگرایی جدید) نیز قابل استنباط است. در واقع رهیافت مورد استفاده در اینجا رهیافت فرهنگی (درمقابل رهیافت محاسباتی) است (Hall & Taylor, 1996, p.937). رهیافتی که بیان می‌دارد مجموعه رفتارها به‌جای محاسبات منفعت‌طلبانه محض به توصیف شرایط بستگی دارد (Hall & Taylor, 1996, p.939).

سؤالی که برای خواننده باقی می‌ماند این است که منشأ شکل‌گیری خود نهادها چه خواهد بود؟! صرفنظر از این سؤال، در ادامه با مراجعه به قرآن به نقد و بررسی این دیدگاه از جنبه اراده فردی پرداخته می‌شود. در ادبیات دینی خداوند انسان را مختار معرفی کرده است. لذا او را مکلف به عمل مطابق با بهترین راه و رسم زندگی _ یعنی دین _ نموده است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ (بقره؛ ۲۸۶)

ترجمه: خدا هیچ کس را تکلیف نکند مگر به قدر توانایی او، نیکی های

هر کس به سود او و بدی هایش نیز به زیان خود اوست.

خداوند در آیه ای دیگر می فرماید که ما انسان را خلق کردیم تا او را مورد ابتلا و امتحان قرار دهیم. امتحان انسان در بطن خود مستلزم وجود اختیار برای انسان خواهد بود وگرنه حکمت امتحان گیرنده (خدا) دچار شبهه و اشکال می شود که این مسئله مردود است. آیه مربوطه در این زمینه عبارت است از:

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَوَةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ

(الملک؛ ۲)

ترجمه: خدایی که مرگ و زندگی را آفرید که شما بندگان را بیازماید

تا کدام نیکوکارتر (و خلوص اعمالش بیشتر) است و او مقتدر و بسیار

آمرزنده است.

خداوند در جای دیگر قرآن به صراحت بیان می دارد که هرکس مسئول خود است و

در صورت عمل به وظیفه، بی راهه رفتن دیگران ضرری به او نخواهد رساند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ (المائدة؛

۱۰۵)

ترجمه: ای اهل ایمان، شما (ایمان) خود را محکم نگاه دارید، که اگر

همه عالم گمراه شوند و شما به راه هدایت باشید زیانی از آنها به شما

نرسد. بازگشت همه شما به سوی خداست و همه شما را به آنچه کردید

آگاه می سازد.

از این آیه نیز می توان برداشت کرد که انسان قدرت اختیار و تعیین سرنوشت خود

را دارد. در واقع علت تامه شکل گیری رفتارهای انسان (که شامل رفتارهای اقتصادی نیز

می شود) نه یک امر بیرونی (در اینجا نهاد) که اراده و اختیار او است. توضیح اینکه

وقتی در اینجا سخن از علت تامه به میان آورده می‌شود یعنی امکان دارد عوامل تأثیرگذار دیگری نیز در شکل‌گیری رفتار انسانی تأثیرگذار باشد اما آنچه می‌تواند بر همه این عوامل فائق آید اراده انسانی است. لذا به نظر می‌رسد این دیدگاه با آموزه‌های قرآن سازگاری نداشته و مردود باشد.

۳-۱-۲. افراد و رفتارهای انسانی در رابطه‌ای یک‌سویه باعث شکل‌گیری نهادها می‌شوند

از مهمترین قائلین به این دیدگاه را می‌توان اقتصاددانان نئوکلاسیک دانست. آنها رفتار افراد هر نسل را با در نظر گرفتن ترجیحات و سلیق خود و در چارچوب منطق خاصی به نام اصطلاحاً رفتار عقلایی^۹ تبیین می‌کنند (فرجی دیزجی، ۱۳۹۲، صص. ۲۳-۲۴). در این حالت هیچ قاعده رفتاری جز رفتار حداکثرکننده لذت (مطلوبیت در مصرف و سود در تولید) برای تبیین رفتار اقتصادی افراد جامعه وجود ندارد.

می‌توان نهادگرایی انتخاب عقلایی که شاخه‌ای از نهادگرایی جدید است را ذیل این دیدگاه تعریف نمود. شاخه‌ای که از رهیافت محاسباتی در تبیین تأثیر و تأثر رفتارهای فردی و نهادها استفاده می‌کند (Hall & Taylor, 1996, p.945) و یکی از ویژگی‌های این رهیافت برونزا در نظر گرفتن ترجیحات و اهداف انسان‌ها دانسته شده است (Hall & Taylor, 1996, p.945). البته اکثر نهادگرایان جدید در این زمره جای می‌گیرند (Dequech, 2002, p.570).

در جهان واقع وجود نهادهایی مثل عادات اجتماعی، آداب و رسوم و سنت‌های اجتماعی برای همه محرز است. برای مثال اینکه در جامعه ایران قبل از فرا رسیدن عید نوروز، تقاضای مردم نسبت به ملزومات عید از خوراکی‌های خاص آن گرفته تا پوشاک افزایش می‌یابد، نتیجه ترجیحات، سلیق و تصمیم‌گیری‌های مستقل افراد نسل حاضر نبوده بلکه ناشی از تأثیری است که نسل حاضر از نسل‌های قبل پذیرفته است. شاید درمورد چارچوب و محدوده مفاهیمی از قبیل آداب و رسوم، فرهنگ و سنت‌های

موجود در جامعه، اختلاف نظرهایی وجود داشته باشد اما در مورد اصل وجود آنها کسی خدشه‌ای وارد نمی‌کند. پس اصل تأثیر رفتار نسل یا نسل‌های گذشته بر رفتار نسل حاضر امری قابل قبول است.

در تبیین علت ایجاد نهادها در چارچوب این حالت، باید گفت که آنها در نتیجه رفتار براساس منطق عقلایی انسان‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف شکل می‌گیرند.

اما آیا در چارچوب اسلامی محیط، آداب و رسوم اجتماعی هیچ تأثیری بر اراده، ترجیحات و رفتارهای اقتصادی فرد نخواهد داشت؟! در ادامه این قسمت اماره‌هایی از آیات قرآن در مورد اصل تأثیر نهاد بر رفتار انسانی آورده می‌شود. اما بحث در مورد اینکه آیا می‌توان میان قبول تأثیر نهاد بر شکل‌گیری رفتار انسانی و همچنین وجود رابطه علیت از فرد به سمت نهاد جمع نمود در بخش جمع‌بندی بررسی خواهد شد.

یکی از اماره‌های مهم در مورد تأثیر نهادها بر رفتار انسانی داستان حضرت نوح علیه‌السلام و قوم او است. ایشان پس از تلاش وافر در هدایت قوم خود و ایمان نیاوردن آنها جز عده‌ای اندک، از خدا برای آنها درخواست عذاب کرد. اما دلیل ایشان در این زمینه قابل ملاحظه است:

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا * إِنَّكَ إِن تَذَرْنَهُمْ
يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (نوح؛ ۲۶ و ۲۷)

ترجمه: و نوح عرض کرد: پروردگارا از این کافران دیاری بر روی زمین باقی مگذار (۲۶) که اگر از آنها هر که را باقی گذاری بندگان (پاک با ایمان) تو را گمراه می‌کنند و جز فرزندان بدکار و کافر از آنان به وجود نخواهد آمد (۲۷)

ایشان دلیل درخواست عذاب را این بیان می‌کند که جامعه و نسل کنونی آن قدر در آداب و رسوم جاهلی و سربیزی از حق پیش رفته‌اند که دیگر در نسل بعدی آنها جز گناه‌کار کافرپیشه وجود نخواهد داشت. بیان سنت و واقعیت فوق به عنوان علت

درخواست عذاب توسط شخصی که مورد تأیید خداوند و پیام‌آور اوست و عدم رد آن توسط خداوند و همچنین پذیرش این درخواست و دعا توسط خداوند نشان‌دهنده مهر تأییدی است که خداوند بر وجود این سنت و واقعیت می‌گذارد.

آیات دیگر در این زمینه آنهایی است که در آن کافران در جواب پیامبران الهی استدلال کرده‌اند به اینکه راه ما راه آباء و اجدادمان است. آیا ما این راه را رها کنیم و به راهی که شما بدان دعوت می‌کنید برگردیم. در ادامه به‌عنوان نمونه به دو مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ
كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ (بقره؛ ۱۷۰)

ترجمه: و چون کفار را گویند: پیروی از شریعت و کتابی که خدا فرستاده کنید، پاسخ دهند که ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود. آیا بایست آنها تابع پدران باشند گر چه آن پدران بی‌عقل و نادان بوده و هرگز به حق و راستی راه نیافته باشند؟

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا
عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ (المائدة؛ ۱۰۴)

ترجمه: و چون به آنها گفته شود: بیایید از حکم کتابی که خدا فرستاده و از دستور رسول او پیروی کنید، گویند: آن دینی که پدران خود را بر آن یافتیم ما را کفایت است. آیا باید از پدران خود هر چند مردمی جاهل بوده و به حق راه نیافته باشند باز پیروی کنند؟

نکته‌ای که از آیات فوق برمی‌آید این است که دین و روش زندگی آباء و اجداد بر نسل بعد و فرزندان آنها اثرگذار خواهد بود و یکی از عوامل بسیار تعیین‌کننده الگوی رفتاری نسل جدید روشی بوده که پدرانشان در پیش گرفته‌اند.

۳-۱-۳. نظریه بینابینی

در این نظر نهادها و رفتار افراد می‌تواند طی شرایط و با سازوکارهای مشخصی بر یکدیگر تأثیرگذار باشد. اما اگر علت ایجاد رفتار انسانی نهاد و علت ایجاد نهاد رفتار و اراده انسانی باشد با مشکل دور باطل مواجه خواهیم شد و این نوع تبیین دارای اشکال خواهد بود. راهکار این مسئله از این قرار است که وقتی می‌خواهیم به‌طور همزمان دو گزاره «رفتار انسانی علت شکل‌گیری نهادها است» و «نهادها علت شکل‌گیری رفتار انسانی هستند» را بپذیریم و دچار اشکال دور باطل نشویم باید یا رفتار انسانی که نهادها را شکل می‌دهد را متمایز از رفتار انسانی شکل گرفته توسط نهادها بدانیم یا نهادهایی که رفتار انسانی را شکل می‌دهد را متمایز از نهادهایی تعریف کنیم که ناشی از رفتار انسانی بوده است؛ یعنی حالت زیر:

یک اراده و رفتار انسانی ← یکسری نهادها

یکسری نهادها ← یک اراده و رفتار انسانی دیگر

این تبیین در راه‌حل روی بسکار^{۱۰} برای حل مسئله ساختار-کارگزار^{۱۱} نیز وجود دارد (درستی، ۱۳۷۹، صص. ۲۴۱-۲۴۲).

اگر مسئله با دید پویا مورد نظر قرار گیرد می‌توان این نظر را بر دیدگاه نهادگرایان قدیم قابل انطباق دانست. در واقع خصیصه مشترک نهادگرایان قدیم آن است که فرد و توابع ترجیحات او ثابت در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه اهداف و ترجیحات آنها توسط شرایط اقتصادی-اجتماعی شکل می‌گیرد. از طرف دیگر ماحصل افراد و کنش متقابل میان آنها شکل‌دهنده نهادها دانسته شده است (مشهدی احمد، ۱۳۹۲، ص. ۵۶).

البته این دیدگاه از منظر شناختی می‌تواند به نهادگرایی جدید پیوند داده شود. توضیح اینکه نهادگرایان جدید که مبنای روش خود را تحلیل از فرد یا به عبارت دیگر فردگرایی روش‌شناختی^{۱۲} قرار داده‌اند این مسئله را در مرحله شناخت رد نمی‌کنند که افراد می‌توانند از محیط نهادی خود متأثر شوند. در واقع آنها برای ساده‌سازی کار و

اینکه به یک تحلیل اقتصادی محض و خالص برسند از این واقعیت چشم‌پوشی کرده‌اند (Hogson, 2007, p.213). یعنی آنها این کار را در عمل و به‌عنوان یک تاکتیک برای انجام تحلیل‌های اقتصادی محض بکار برده‌اند.

۳-۱-۴. جمع‌بندی درمورد جهت رابطه علیت

باتوجه به آیات قرآنی مطرح شده اولاً خداوند انسان را مختار در نظر گرفته و او را مورد امتحان قرار داده است و نسبت به رفتار او را مؤاخذه می‌کند یا پاداش می‌دهد، ثانیاً در آیات قرآن رفتار گذشتگان برای نسل‌های بعد که در نهایت باعث ایجاد محیط اجتماعی می‌شود (مجموعه‌ای از آداب و رسوم و عادات) امری اثرگذار در نظر گرفته شده است. پس در عین حال که تأثیرگذاری میان نهاد و رفتار افراد دوسویه است نوآوری تحقیق در یافتن جهت علیت آن است که علی‌رغم پذیرش تأثیر متقابل فرد و نهاد بر یکدیگر می‌توان جهت علیت را صرفاً از فرد به سمت نهاد دانست. اما چگونه می‌شود در کنار پذیرش تأثیری که نهاد بر رفتار فرد می‌گذارد جهت علیت را از فرد به سمت نهاد شکل داد. در توضیح این ایراد باید گفت که نهاد اراده‌ها و انتخاب‌های انباشته شده نسل‌های گذشته تاکنون بوده و آنچه به‌عنوان تأثیر نهاد بر رفتار اجتماعی و اقتصادی افراد در زمان حال مطرح است چیزی جز تأثیر همه اراده‌ها و انتخاب‌های انباشته نسل‌های گذشته بر رفتار و انتخاب‌های نسل حاضر نیست. البته این تبیین از نهاد با توضیحات بخش بعد (تحلیل سازوکار تأثیرگذاری) بیشتر مستدل خواهد شد. ۱۳

۳-۲. تحلیل سازوکار تأثیرگذاری فرد و نهاد بر یکدیگر

در این بخش ابتدا مؤلفه‌های مورد نیاز برای تحلیل سازوکار تأثیرگذاری فرد و نهاد براساس آموزه‌های قرآنی بیان می‌شود. سپس با استفاده از آنها به بیان این سازوکار پرداخته می‌شود.

۳-۲-۱. مؤلفه‌های مورد نیاز برای تحلیل

با نگاه به آیات قرآن، دو مؤلفه مؤثر بر تحلیل سازوکار تأثیرگذاری فرد و نهاد بر یکدیگر قابل استنباط است. این دو مؤلفه عبارتست از «تفاوت در اراده‌های افراد» و مسئله «خواص و عوام».

۳-۲-۱-۱. خواص و عوام جامعه

خواص و عوام یک جامعه مؤلفه‌ای است که باعث تفاوت در تأثیرگذاری هر یک از افراد بر جامعه خود می‌شود. سخنی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که خواص یک جامعه را هدایتگر عوام آن معرفی می‌کند^{۱۴} (مشکینی، ۱۳۸۲، ص. ۳۳۶). در قرآن کریم نیز اشاره‌های فراوانی به تأثیرگذاری خواص بر عوام شده است:

در آیه ۱۰۹ سوره اعراف و پس از اینکه حضرت موسی علیه‌السلام نشانه‌های نبوت خود را به فرعون و فرعونیان نشان داد «ملاً» قوم فرعون تلاش کردند جلوی نفوذ حضرت موسی علیه‌السلام و نجات بنی‌اسرائیل توسط او را بگیرند. لذا پس از مشاوره به این نتیجه رسیدند که حضرت موسی علیه‌السلام ساحر است و برای مقابله با او باید از ساحران دیگر استفاده کرد:

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (الأعراف؛ ۱۰۹)

ترجمه: مهتران قوم فرعون گفتند که این شخص ساحری سخت ماهر و داناست.

همچنین در آیه ۳۳ سوره مؤمنون علامه طباطبایی می‌فرماید که ملاً (بزرگان) قوم نوح از باب توهین و تحقیر به عوام جامعه گفتند کسی را که به‌عنوان پیامبر انتخاب کرده‌اید که شبیه خودتان می‌خورد و می‌آشامد و هیچ برتری نسبت به شما ندارد (۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص. ۳۱).

آیه مربوطه می‌فرماید:

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِإِيقَاعِ الْآخِرَةِ وَاتْرَفْنَاهُمْ فِي
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا
تَشْرَبُونَ (المؤمنون؛ ۳۳)

ترجمه: و باز اشراف و اعیان قوم وی که کافر شدند و عالم آخرت را تکذیب کردند و ما در حیات دنیا متنعمشان کرده بودیم (به مردم) گفتند که این شخص مانند شما بشری بیش نیست که از هر چه شما می‌خورید و می‌آشامید او هم می‌خورد و می‌آشامد.

در جای دیگر از قرآن اشاره به این نکته شده است. قرآن در سوره «ص» آیه ششم می‌فرماید:

وَأَنْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ (ص؛ ۶)

ترجمه: و گروهی از سران قوم گفتند که باید طریقه خود را ادامه دهید و در پرستش خدایان خود ثابت قدم باشید، این کاری است که مراد همه است.

علامه طباطبایی می‌فرماید اشراف (ملأ) قبیله قریش بعد از اینکه ایشان حاضر نشد به هیچ‌یک از سخنان آنان تن دهد به پیروان خود گفتند بروید و بر خدایان خود پایداری کنید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، صص. ۱۸۲-۱۸۳).

با نگاه به معنای کلمه «ملأ» در آیات و روایت می‌توان گفت منظور از ملأ همان بزرگان یا خواص جامعه است. یکی از کارکردهای این افراد در جامعه، راهبری و جهت‌دهی رفتارهای مردم است. عموم مردم با نگاه به آنها رفتار خود را تنظیم می‌کنند یا حداقل رفتار خواص اثر زیادی بر رفتارشان خواهد داشت. پس قواعد رفتاری که توسط خواص پیگیری می‌شود در جامعه به صورت یک سنت درمی‌آید و از آنجا که قبلاً در تحقیق ثابت شد که این نوع نهاد اجتماعی است، عوام از آن متأثر خواهند شد. پس در یک جامعه خواص بر عوام تأثیرگذار هستند. یعنی در جامعه اولیه، رفتار

خواص شکل دهنده نهادهایی است و آن نهادها شکل دهنده رفتار عوام جامعه خواهد بود. شاید بتوان واژه سلبریتی^{۱۵} را مترادف واژه خواص یا حداقل واژه نزدیک برای آن در غرب نامید. سلبریتی‌هایی که دامنه تأثیر رفتار آنها جهانی است و می‌توانند حتی بر رفتار خواصی از جامعه که امکان تأثیرپذیری در آنها وجود دارد (یعنی خواص تأثیرپذیر) اثرگذار باشند.

۳-۲-۱-۲. تفاوت در اراده‌ها

افراد جامعه باتوجه به سرمایه وجودی اولیه (ویژگی‌های وراثتی) و ویژگی‌های اکتسابی در طول حیات خود، اراده‌های متفاوت به همراه جهت‌دهی‌های مختلف (به سمت نیکی یا بدی) دارند. اراده‌های قوی انسان‌های بزرگ تربیت خواهد کرد (مطهری، ۱۳۸۹ ج ۲۳، ص. ۶۲۴) اما جهت‌دهی آن می‌تواند به سمت خیر یا شر باشد. اگر به سمت شر باشد باعث می‌شود تا قدرت تخریب شخص افزایش یابد. مانند پادشاهان و حاکمان ظالم. اما اگر به قول شهید مطهری این اراده در جهت خیر باشد منشأ برکات فراوانی است. لذا شهید مطهری آن را تعبیر به بزرگواری کرده است (مطهری، ۱۳۹۲، ص. ۱۹۵). در نهایت هرچه سطح اراده افراد بالاتر باشد میزان تأثیرپذیریشان از محیط و اطرافیان پایین‌تر می‌شود. البته این مسئله می‌تواند مثبت یا منفی باشد؛ یعنی تأثیر نپذیرفتن از محیط نامطلوب یا محیط مطلوب. مثال‌های قرآنی در این زمینه فراوان است. حضرت ابراهیم علیه‌السلام در یک جامعه بت‌پرست زندگی می‌کرد به طوری که هیچ هم‌عقیده‌ای نداشت. اما اراده ایشان که ناشی از سرمایه اولیه و سرمایه اکتسابی‌اش بود بر اراده یک ملت غلبه کرد. لذا ایشان علی‌رغم دین پدر (عمو) و قوم خود یکتاپرستی را انتخاب نمود و حتی با آنها به محاجّه پرداخت (الأنبياء، ۵۲-۵۶). البته نمونه منفی مورد فوق نیز وجود دارد. خداوند در سوره «طه» می‌فرماید که فرعون باعث گمراهی قوم خود شد و آنها را هدایت نکرد (طه، ۷۰). در نتیجه می‌توان گفت هرچه اراده یک فرد بیشتر باشد تأثیرپذیری او از محیط و نهادهای اجتماعی کمتر است.

۳-۲-۲. بحثی پیرامون ارتباط مؤلفه‌ها با یکدیگر

شاید این اشکال برای برخی پیش آید که نتوانند میان دو مفهوم «خواص و عوام» و «تفاوت در اراده‌ها» تمایز قائل شوند؛ بدین صورت که خواص یک جامعه افرادی هستند که اراده قوی‌تری دارند و اصلاً دلیل اینکه آنها در زمره خواص جامعه قرار گرفته‌اند، اراده قوی‌تر آنها نسبت به عموم مردم است. در جواب باید گفت در مسئله خواص و عوام، آنچه باعث تمایز میان خواص جامعه از عوام شده تفاوت در اراده‌ها نیست. البته عموماً اراده بالای افراد از عواملی به حساب می‌آید که باعث شده افرادی در زمره خواص یک جامعه قرار بگیرند، اما این مسئله تنها دلیل تبدیل یک فرد به خواص جامعه نیست. وجه ممیزه خواص یک جامعه از عوام آن، جایگاه و شأنی است که آنها دارند و به خاطر آن، قواعد رفتاری حاکم بر عمل آنها در زمینه‌های مختلفی مثل اقتصاد می‌تواند الگوی دیگران قرار گیرد و در رفتار آنها تأثیرگذار باشد. افرادی مثل بازیگران یا ورزشکاران که به اقتضای محیط اجتماعی و شغل خود (نه اراده‌ای لزوماً قوی‌تر از اقلشار دیگر مثل نخبگان علمی) در میان مردم برجستگی خاصی پیدا کرده‌اند. پس وجه ممیزه خواص از عوام در یک کلام «امکان تأثیرگذاری بر جامعه» است. اما در مورد تفاوت در اراده‌ها، افراد با اراده‌ای وجود دارند که مقهور نهادهای اجتماعی نمی‌شوند اما شأن و رتبه اجتماعی خاصی ندارند و جزو خواص محسوب نمی‌شوند.

۳-۲-۳. تحلیل سازوکار

در این قسمت با استفاده از مؤلفه‌های مستخرج جهت تحلیل سازوکار تأثیرگذاری فرد و نهاد بر یکدیگر به تحلیل این سازوکار در دو بخش تحلیل اولین نسل بشر و تحلیل نسل‌های بعد پرداخته می‌شود.

۳-۲-۳-۱. تبیین اولین نسل بشری و نحوه شکل‌گیری نهاد

هر انسانی در انجام یا عدم انجام هنجارها یا ناهنجارها با دو دعوت مواجه است؛ دعوت به نیکی و دعوت به بدی. دعوت خدا را مقصد رسیدن به همه کمالات می‌داند

و دعوت دیگر که از نفس اماره و شیطان صادر می‌شود او را از کار نیک بازمی‌دارد و به بدی دعوت می‌کند و کمالات را در چشم انسان صرفاً رسیدن به مقامات و لذا ئذ دنیوی می‌داند. اگر به انسان نخستین نیز برگردیم این قاعده بر او حاکم بوده است. در ابتدا انسان است و نفسانیت و فطرت و اختیاری که به وسیله آن، یکی از دو مسیر نفسانیت یا فطرت را پیش می‌گیرد.

از طرفی رفتار انسان‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: رفتارهای شخصی و رفتارهای اجتماعی. دامنه تأثیر رفتارهای شخصی در عرف، محدوده خود فرد است اما در رفتار اجتماعی به جامعه نیز سرایت می‌کند. در هر رفتار خاص همه افراد جامعه ابتدائاً در معرض این انتخاب و امتحان قرار گرفته‌اند. مثلاً همه مردم میان این دوراهی قرار گرفته‌اند که آیا کالاهایی را به خاطر حسّ تفاخر به مصرف برسانند یا نه. لذا عدّه‌ای آن را انتخاب و عدّه دیگر رد می‌کنند. در این میان انتخاب افراد نیز بر دیگران اثرگذار خواهد بود. برای مثال اگر انتخاب همه اعضای خانواده یک فرد استفاده از کالای تجملی باشد می‌تواند شخص را به سمت همراستا شدن با خانواده خود و مصرف کالای تجملی سوق دهد. یا اگر فرد استفاده کننده از کالاهای تجملی؛ رفتار شخص یا اشخاصی در جامعه را خلاف رفتار خود ببیند امکان دارد از رفتار اولیه خود روی برگرداند.

۲-۳-۲-۳. تبیین رفتار نسل‌های بعد با در نظر گرفتن انتخاب خود و نهادهایی که از نسل‌های قبل به ارث برده‌اند

همه مباحثی که در حالت اول بیان شد در مورد نسل‌های بعد نیز صادق است؛ هم میزان اراده‌ها متفاوت است و هم در همه جوامع ثانویه خواص اثرگذاری بیشتری بر رفتار عموم مردم می‌گذارند. تنها تفاوت در این حالت این است که در اینجا علاوه بر مباحث گذشته نهادهای اجتماعی به ارث رسیده از نسل‌های قبل وجود دارد که امکان دارد بر رفتار افراد تأثیرگذار باشد. پس در همه نسل‌ها همانند نسل اولیه دو مؤلفه «اراده

متفاوت افراد مختلف» و «خواص و عوام» وجود دارد. در این نسل‌ها افراد به نسبت میزان اراده‌ای که دارند می‌توانند در صورت اراده و خواست خود از نهادهای موجود تأثیر نپذیرفته و به خواست خود عمل نمایند. پس هرچه اراده بالاتر باشد تأثیرپذیری افراد از نهادهای موجود کمتر و هرچه اراده پایین‌تر باشد این تأثیرپذیری بیشتر می‌شود. همچنین خواص جامعه می‌توانند با انتخاب خود (پذیرش نهادهای به ارث رسیده، یا عدم پذیرش آن و ایجاد نهادهای جدید) در انتخاب قواعد رفتاری عوام تأثیر بگذارند. تصمیم خواص می‌تواند به دو عنصر بستگی داشته باشد: یکی همسویی یا عدم همسویی خواست آنها با نهادهای به ارث رسیده است. اگر خواست خواص با نهادهای موجود همسو باشد طبیعتاً نهادها در نسل حاضر حفظ می‌شود و حتی امکان تقویت دارند. عنصر دیگر میزان اراده خواص یک نسل است. در حالتی امکان دارد خواست و اراده خواص یک نسل با نهادهای به ارث رسیده همسو نباشد اما اراده خواص آن نسل به اندازه‌ای بالا نباشد که بتواند نهادهای به ارث رسیده و احتمالاً طی چندین نسل تثبیت شده را تغییر دهد. در اینجاست که خواص جامعه مقهور نهادهای نسل‌های قبل می‌شوند. شاید هم اصلاً خواص یک نسل از همان ابتدا اراده و خواستی برای ارزیابی نهادهای به ارث رسیده و احیاناً تغییر آنها نداشته باشند که در این صورت نیز خواست و اراده خواص از همان ابتدا همسو با نهادهای اجتماعی موجود شکل می‌گیرد.

۳-۳. جمع‌بندی در مورد الگوی تأثیر و تأثر نهاد و رفتار انسانی بر اساس آموزه‌های اسلامی

پژوهش حاضر جهت علیت را علی‌رغم پذیرش تأثیر متقابل فرد و نهاد بر یکدیگر از فرد به سمت نهاد دانست و بیان کرد که نهاد، اراده‌ها و انتخاب‌های انباشته شده نسل‌های گذشته تاکنون بوده و آنچه به‌عنوان تأثیر نهاد بر رفتار اجتماعی و اقتصادی افراد در زمان حال مطرح است، چیزی جز تأثیر همه اراده‌ها و انتخاب‌های انباشته نسل‌های گذشته بر رفتار و انتخاب‌های نسل حاضر نیست.

پژوهش همچنین در قسمت تحلیل سازوکار تأثیرگذاری میان فرد و جامعه، افراد را از دو منظر میزان تأثیرگذاری و میزان تأثیرپذیری به دو دسته تقسیم کرد. سپس دو حالت برای تحلیل بیان شد. در حالتی رفتار اولین نسل بشری و در حالت دیگر رفتار نسل‌های بعدی مورد بررسی قرار گرفت. در تحلیل رفتار اولین نسل بشری، نفسانیت و فطرت و اختیاری که انسان به وسیله آن یکی از دو مسیر نفسانیت یا فطرت را پیش می‌گیرد، وجود دارد. در حالت دوم، همه مباحثی که در حالت اول بیان شد در تحلیل نسل‌های بعد نیز صادق است. تنها تفاوت در این حالت این بود که علاوه بر مباحث گذشته نهادهای اجتماعی به ارث رسیده از نسل‌های قبل وجود داشت که امکان تأثیرگذاری بر رفتار افراد را داشت. پس در همه نسل‌ها همانند نسل اولیه دو مؤلفه «اراده متفاوت افراد مختلف» و «خواص و عوام» وجود دارد. افراد به نسبت میزان اراده-ای که دارند می‌توانند در صورت اراده و خواست خود از نهادهای موجود تأثیر نپذیرفته و به خواست خود عمل نمایند. پس هرچه اراده بالاتر باشد تأثیرپذیری افراد از نهادهای موجود کمتر و هرچه اراده پایین‌تر باشد این تأثیرپذیری بیشتر می‌شود. همچنین خواص جامعه می‌توانند با انتخاب خود (پذیرش نهادهای به ارث رسیده، یا عدم پذیرش آن و ایجاد نهادهای جدید) در انتخاب قواعد رفتاری عوام تأثیر بگذارند. البته میزان اراده خواص یک نسل نیز تعیین‌کننده است. برای مثال در حالتی امکان دارد خواست و اراده خواص یک نسل با نهادهای به ارث رسیده همسو نباشد اما اراده خواص آن نسل به اندازه‌ای بالا نباشد که بتواند نهادهای به ارث رسیده و احتمالاً طی چندین نسل تثبیت شده را تغییر دهد. در اینجاست که خواص جامعه مقهور نهادهای نسل‌های قبل می‌شوند. شاید هم اصلاً خواص یک نسل از همان ابتدا اراده و خواستی برای ارزیابی نهادهای به ارث رسیده و احیاناً تغییر آنها نداشته باشند که در این صورت نیز خواست و اراده خواص از همان ابتدا همسو با نهادهای اجتماعی موجود شکل می‌گیرد.

۴. کاربرد الگو در ارائه سناریوهای حمایت کننده از کالای داخلی

پژوهش حاضر در نهایت درصدد تبیین کاربرد الگوی فوق در ارائه سناریوهایی است که جامعه از کالای داخلی حمایت کند. مسئله‌ای که یکی از اصول اقتصاد مقاومتی است و در شعار اقتصادی سال ۹۷ در رابطه با حمایت از کالای ایرانی به صورت مستقیم و در شعار اقتصادی سال ۹۱، ۹۶ و ۹۸ در رابطه با حمایت از تولید داخل به صورت غیرمستقیم به آن اشاره شده است.

۴-۱. مقدمه‌ای در مورد حمایت از تولید داخل از طریق مصرف آن

در ادبیات اقتصاد متعارف مصرف‌کنندگان برای انتخاب کالای مصرفی خود در چارچوب انتخاب عقلایی، کالایی با کیفیت بیشتر و هزینه کمتر انتخاب می‌کنند تا بتوانند با هزینه یا به عبارتی بودجه کمتر به مطلوبیت بالاتری نائل شوند. اما از آنجا که عوامل مؤثر بر مصرف کالا صرفاً محدود به موارد فوق نیست (اردکانی و صانعیان، ۱۳۹۸، ص. ۲۴۱؛ افراسیابی و فتحی، ۱۳۹۷، ص. ۲۹؛ شیخ‌اسماعیلی و مولایی، ۱۳۹۶، ص. ۲۵۹؛ طالبی دلیر و اکبری، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۵) و عواملی مانند مصرف متظاهران و تفاخر در مصرف در الگوی انتخاب و مصرف افراد امکان تأثیر دارد، در این بخش درصدد خواهیم بود تا از الگوی بیان شده در قسمت قبل در مورد تأثیر و تأثر فرد و نهاد بر یکدیگر استفاده کنیم و با توجه به حالت‌هایی که قبلاً برای افراد بیان شد و همچنین حالت‌های ممکن ساختار نهادی در زمینه مصرف کالای داخلی و خارجی، حالت‌های افزایش روحیه حمایت و مصرف کالای داخلی را معرفی نماییم. لذا نتیجه متصور برای این قسمت آن است که با فرض یکسان بودن کیفیت و هزینه تولیدات داخلی در مقایسه با تولیدات خارجی، الگوی انتخاب و مصرف مردم به‌نحوی باشد که تولید داخلی را پیروز این رقابت گرداند و ساختار غلط ارجحیت کالای خارجی نسبت به کالای داخلی مانع از رخداد این پدیده مطلوب نگردد. حتی گام بعد در این‌راستا ایجاد فرهنگ مثبت تفاخر در مصرف کالای ایرانی نسبت به کالای

خارجی است به نحوی که حتی اگر در کوتاه مدت کالای خارجی مزیتی نسبت به مشابه داخلی داشت با کنار گذاشتن آن و میدان دادن به تولید داخلی در کوتاه مدت بتوان زمینه رقابت پذیری کالاهای داخلی و پیشرفت آنها در بلندمدت را فراهم کرد. چیزی که در فرهنگ کشورهای دارای پیشرفت اقتصادی چشمگیر نیز قابل مشاهده است.

لذا در ادامه ابتدا بحثی در مورد حالت‌ها و سناریوهای ممکن برای ساختار نهادی موجود در مصرف کالای داخلی بیان می‌شود. همچنین انواع افراد موجود در جامعه با توجه به مباحث مطرح در بخش ۴-۲-۱ همین تحقیق استخراج می‌گردد. در نهایت براساس این دو مطلب، سناریوهایی که در آن جامعه به طور قطع از مصرف کالای داخلی حمایت خواهد کرد، استخراج می‌شود.

۴-۲. حالت‌های ممکن برای ساختار نهادی موجود در زمینه مصرف کالای

داخلی

در این بخش، حالت‌هایی که امکان دارد ساختار نهادی موجود در موضوع تمایل به مصرف کالای ساخت داخل یا خارج داشته باشد، بیان می‌شود. حالت‌های ممکن به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱) ساختار نهادی موجود به نحوی است که ترغیب‌کننده افراد به سمت مصرف کالای داخلی است.

۲) ساختار نهادی موجود به نحوی است که ترغیب‌کننده افراد به سمت مصرف کالای خارجی است.

۳) ساختار نهادی نسبت به ترجیح کالای داخلی بر کالای خارجی یا بالعکس بی-تفاوت است.

۴-۳. انواع افراد موجود در جامعه

برای این کار در بخش ۴-۲-۱ دو مؤلفه بیان شد. مؤلفه «خواص و عوام جامعه» از حیث تأثیرگذاری افراد بر محیط و پیرامون خود و مؤلفه «تفاوت در اراده‌ها» براساس تأثیرپذیری‌شان از محیط. پس مردم بر اساس این دو مؤلفه به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱) خواص تأثیرناپذیر (توان تأثیرگذاری بالا و تأثیرناپذیری از ساختارهای اجتماعی)

۲) خواص تأثیرپذیر (توان تأثیرگذاری بالا و عدم توان تأثیرناپذیری از ساختارهای اجتماعی)

۳) عوام تأثیرناپذیر (تأثیرناپذیری از ساختارهای اجتماعی و عدم توان تأثیرگذاری بالا)

۴) عوام تأثیرپذیر (تأثیرپذیری از ساختارهای اجتماعی و عدم توان تأثیرگذاری)

۴-۴. راهبرد ایجاد روحیه حمایت و مصرف کالای داخلی

در ابتدا طرح‌واره تأثیر و تأثرات افراد و ساختار نهادی در دو حالت کوتاه‌مدت و بلندمدت ارائه می‌گردد. در نهایت با جایگذاری حالت‌های ممکن برای افراد و ساختار نهادی در طرح‌واره و ایجاد سناریوهای مختلف، راهبرد ایجاد روحیه حمایت و مصرف کالای داخلی پیگیری می‌شود.

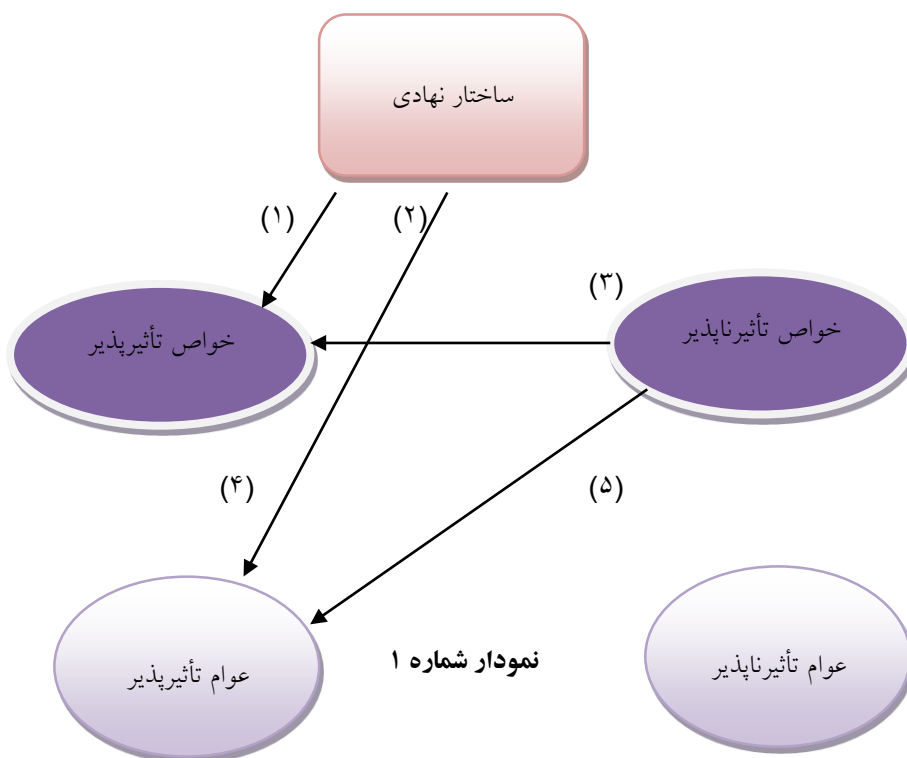
۴-۴-۱. ارائه طرح‌واره تأثیر و تأثرات افراد و ساختار نهادی

این قسمت در دو حالت کوتاه‌مدت و بلندمدت ارائه می‌شود. شاید این سؤال به ذهن خواننده خطور کند که دلیل تقسیم شدن به دو حالت کوتاه‌مدت و بلندمدت چیست. در جواب باید گفت که در کوتاه‌مدت امکان تغییر ساختار نهادی وجود ندارد یا این کار به راحتی امکان‌پذیر نیست. لذا این پیش‌فرض باید در ارائه راهکار کوتاه‌مدت در نظر گرفته شود که الگوی تأثیر و تأثر افراد و ساختار نهادی به صورت یک‌طرفه و از

نهاد و ساختار نهادی به سمت افراد است. اما در بلندمدت که امکان تغییر ساختار نهادی وجود دارد الگوی تأثیر دو طرفه خواهد شد.

۴-۱-۴-۱. طرح‌واره در کوتاه‌مدت

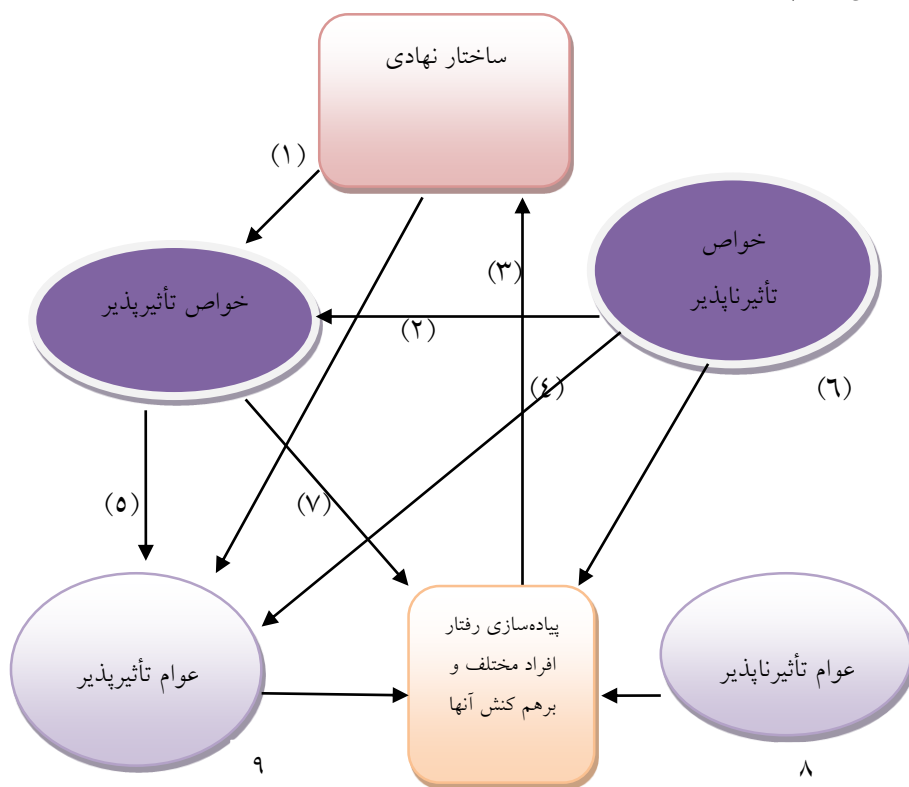
ویژگی طرح‌واره ارائه شده برای حالت کوتاه‌مدت این است که تأثیراتی از افراد به سمت ساختار نهادی وجود ندارد. دلیل آن هم همان‌طور که بیان شد این است که در کوتاه‌مدت امکان تغییر نهادها با تعریفی که از آن در این تحقیق بیان شده (یعنی نهادهای غیررسمی) وجود ندارد. در ادامه، طرح‌واره مربوط به کوتاه‌مدت را مشاهده می‌کنید. طرح‌واره‌ای که شامل ۵ مؤلفه ساختار نهادی، خواص تأثیرناپذیر، خواص تأثیرپذیر، عوام تأثیرناپذیر و عوام تأثیرپذیر. این طرح‌واره همچنین شامل فلش‌هایی است که میان برخی از مؤلفه‌های فوق وجود دارد. جهت فلش‌ها نیز نشان‌دهنده جهت تأثیر هریک از مؤلفه‌ها بر یکدیگر است.



- (۲) : تأثیر ساختار نهادی بر خواص تأثیرپذیر
 (۳) : تأثیر ساختار نهادی بر عوام تأثیرپذیر
 (۴) : تأثیر خواص تأثیرناپذیر بر خواص تأثیرپذیر
 (۵) : تأثیر خواص تأثیرناپذیر بر عوام تأثیرپذیر
 (۶) : تأثیر خواص تأثیرپذیر بر عوام تأثیرپذیر

۴-۲-۱. طرح‌واره در بلندمدت

ویژگی طرح‌واره برای حالت بلندمدت این است که تأثیرات از افراد به سمت ساختار نهادی نیز وجود دارد. در واقع در این حالت امکان تغییر ساختار نهادی وجود دارد. در این حالت مؤلفه دیگری با عنوان «پیاده‌سازی رفتار افراد مختلف و برهم‌کنش آنها» به پنج مؤلفه قبل اضافه شده است. مؤلفه‌ای که نماد تجمیع رفتار همه افراد جامعه و تأثیر آن بر ساختار نهادی است. اما تفاوت این حالت با حالت قبل این است که تعداد فلش‌ها یا همان تأثیرات در این حالت بیشتر است. طرح‌واره به شکل زیر است: تأثیر ساختار نهادی بر خواص تأثیرپذیر



- (۱) تأثیر ساختار نهادی بر عوام تأثیر پذیر
- (۲) تأثیر خواص تأثیرناپذیر بر خواص تأثیر پذیر
- (۳) تأثیر خواص تأثیرناپذیر بر عوام تأثیر پذیر
- (۴) تأثیر خواص تأثیر پذیر بر عوام تأثیر پذیر
- (۵) تأثیر رفتار خواص تأثیرناپذیر بر ساختار اجتماعی
- (۶) تأثیر رفتار خواص تأثیر پذیر بر ساختار اجتماعی
- (۷) تأثیر رفتار عوام تأثیرناپذیر بر ساختار اجتماعی
- (۹) تأثیر رفتار عوام تأثیر پذیر بر ساختار اجتماعی
- (۱۰) برآیند تأثیر رفتار همه مردم بر ساختار اجتماعی

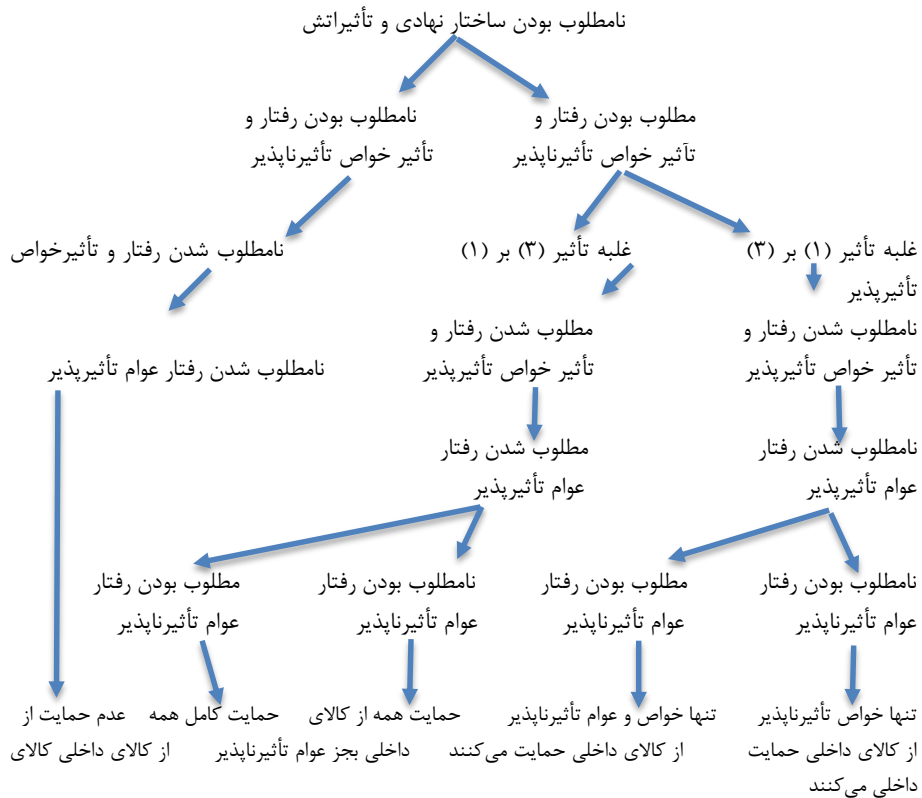
۴-۲-۴. ارائه سناریوهای حمایت کننده از کالای داخلی

پس از معرفی طرح واره تأثیر و تأثرات، اینک با توجه به حالت‌هایی که ساختار نهادی می‌تواند داشته باشد و همچنین حالت‌های افراد، ابتدا به ارائه سناریوهای ممکن می‌پردازیم. سپس با تجزیه و تحلیل آنها، سناریوهایی که در صورت اجرا می‌تواند به مسئله حمایت از کالای داخلی کمک کند، معرفی می‌گردد. لازم به ذکر است که در این تحقیق سناریونویسی با تکنیک درخت احتمالات انجام شده است. تکنیکی شبیه درخت تصمیم‌گیری با این تفاوت که شاخه‌های درخت تصمیم‌گیری بسته به تصمیمات ما است، اما شاخه‌های درخت احتمالات حالت‌هایی است که احتمال دارد در عالم واقع رخ دهد (Bishop, Hines and Collins, 2007, p.13).

۴-۲-۴-۱. معرفی همه سناریوهای ممکن

در اینجا برای دسته‌بندی همه سناریوهای ممکن چند نکته مدنظر قرار می‌گیرد:

- بررسی مسئله در حالت کوتاه‌مدت و بلندمدت (تفاوت این دو حالت قبلاً در بخش (۵-۴-۱) بیان شد)
- مطلوب بودن یا نامطلوب بودن ساختار نهادی موجود. ۱۶



۴-۲-۲. سناریوهای منتخب

همانطور که از نتایج حاصل از نمودار درخت احتمالات مشخص است دو سناریو وجود دارد که طی آن قطعا جامعه از کالای داخلی حمایت می‌کند. یکی سناریویی است که در آن ساختار نهادی موجود و تأثیراتش و همچنین رفتار و تأثیرات خواص تأثیرناپذیر مطلوب است. لذا این مسئله باعث شکل‌گیری رفتار مطلوب در خواص و عوامل تأثیرپذیر خواهد شد. البته پیش‌فرض دیگر در این سناریو آن است که رفتار عوامل تأثیرناپذیر نیز مطلوب خواهد بود. لذا با مطلوب بودن رفتار و تأثیرات هر چهار دسته و همچنین ساختار نهادی می‌توان مطمئن بود که در این سناریو قطعا از تولید داخلی حمایت می‌شود.

سناریوی دیگر در شرایط نامطلوب بودن ساختار نهادی نامطلوب رخ می‌دهد. در اینجا رفتار و تأثیر خواص تأثیرناپذیر مطلوب است و بر تأثیری که ساختار نهادی بر خواص یا عوام تأثیرپذیر می‌گذارد غلبه پیدا خواهد کرد. این مسئله از دو جهت حائز اهمیت است. یکی اینکه باعث می‌شود رفتار خواص تأثیرپذیر مطلوب شود. دیگر اینکه رفتار عوام تأثیرپذیر نیز همانند رفتار خواص تأثیرناپذیر مطلوب خواهد شد. لذا با فرض اینکه رفتار عوام تأثیرناپذیر نیز مطلوب باشد قطعاً حالت مطلوب (یعنی حمایت از کالای داخلی) شکل خواهد گرفت.

۴-۲-۳. جمع‌بندی این بخش

آنچه تحقیق حاضر در جنبه کاربردی به آن رسید این بود که چه رابطه‌ای میان رفتارها و تأثیرات مؤلفه‌های الگو (یعنی ساختار نهادی، خواص تأثیرناپذیر، خواص تأثیرپذیر، عوام تأثیرناپذیر و عوام تأثیرپذیر) می‌تواند تضمین‌کننده این باشد که قطعاً جامعه از تولید داخل حمایت خواهد کرد. مسئله دیگری که در جمع‌بندی این بخش باید به آن اشاره کرد این است که رفتار مطلوب شکل‌گرفته طی سناریوهای مذکور در حالت بلندمدت بر ساختار نهادی موجود تأثیر می‌گذارد. لذا اگر ساختار نهادی طبق سناریوی اول مطلوب باشد آن را تقویت می‌کند و اگر نامطلوب باشد به اصلاح آن می‌پردازد. این در حالی است که در کوتاه‌مدت تأثیر این رفتار بر ساختار نهادی در نظر گرفته نشده است.

البته جای تحقیق در مورد دو مسئله باقی می‌ماند. تحقیق حاضر از نقطه مطلوب و هدف و اینکه مؤلفه‌های الگو هرکدام در چه حالتی بوده و چه رابطه‌ای با هم داشته باشند تا حمایت از کالای داخلی صورت بگیرد بحث به میان آورده و آن را ترسیم نموده است. اما تحقیق همچنان یک گام تا نقطه سیاست‌گذاری فاصله دارد. در واقع پژوهش‌های آینده می‌توانند به این مسئله پاسخ دهند که چه عواملی می‌تواند مؤلفه‌های الگو و روابط میان آنها را تصحیح کند تا در نهایت رسیدن به هدف حمایت از کالای

داخلی میسر شود و سیاست‌گذاری‌های مربوطه در این رابطه انجام گیرد. دیگر اینکه در سناریوهای دیگر که در آن بخشی از جامعه رفتار مطلوبی از خود بروز می‌دهد و بخشی رفتار نامطلوب، در نهایت کدام رفتار بر دیگری فائق خواهد آمد و چه عواملی در این زمینه مؤثر خواهد بود.

نتایج تحقیق:

در زیر، نتایج حاصل از تحقیق حاضر در قالب چند نکته بیان می‌شود:

(۱) این نظریه که هرکس با اختیار و انتخاب خود تصمیم می‌گیرد و لذا نهادها تأثیری بر تبدیل رفتار انسان از وضعیت کنونی به رفتاری دیگر ندارد، مردود است.

(۲) نهادها امور قهری و نشأت‌گرفته از طبیعت نیستند بلکه طبیعت - به معنای شرایط زمانی و مکانی - تنها بستر تحقق یا شکل‌گیری آنها خواهد بود.

(۳) نهادها برآیند و نتیجه تصمیمات و رفتار تک‌تک افراد جامعه در گذشته و امروز و در بستر شرایط زمانی و مکانی خود است. لذا یک تحلیل پویا که گستره آن از ابتدای تاریخ تاکنون را شامل شود این مسئله را خاطر نشان می‌سازد که علت تحقق نهادها اراده و رفتار انسانی بوده است. در واقع اگر اراده همه نسل‌های بشر در یک سو، و نهادهای اجتماعی در سوی دیگر قرار داشته باشند، جهت رابطه علیت از اراده و انتخاب انسان‌ها به سمت نهادها است.

(۴) با نگاه ایستا و مقطعی به تاریخ با نسلی مواجه می‌شویم که میراث‌دار نهادهای اجتماعی گذشته است. این نهادها برآیند همه اراده‌ها، انتخاب‌ها و رفتارهایی است که نسل‌های گذشته شکل داده‌اند. پس اگر می‌بینیم نسل حاضر ادامه‌دهنده قواعد رفتاری یا همان نهادهای گذشته است این بدین معنا نیست که نهادها در یک رابطه یکسویه سبب تحقق اراده و رفتار انسانی

شده‌اند، بلکه بدین معناست که براینده تصمیمات، رفتارها و اراده انباشته نسل‌های گذشته که در نهادهای اجتماعی تبلور یافته بر اراده نسل حاضر غلبه کرده است.

۵) نهاد می‌تواند نقش تغییردهنده شرایط از وضع موجود به وضع مطلوب را داشته باشد. منظور از شرایط در اینجا اعم از رفتار اقتصادی تک‌تک افراد و همچنین پدیده‌های اقتصادی است. البته باید این نکته در نظر گرفته شود که عامل تحقق نهادهایی که نسل حاضر یا نسل‌های آینده را به سمت وضع مطلوب یا همان پدیده‌های مطلوب اقتصادی سوق می‌دهد به اراده انسانی برمی‌گردد. لذا تحقق پدیده‌های مطلوب اقتصادی باید از میان دو عنصر «تقویت و جهت‌گیری اراده انسان‌ها» و «انتظار تحقق نهادهایی برای جهت‌دهی رفتار انسانی به سمت تحقق پدیده مطلوب اقتصادی» به عنصر اول اولویت داده شود. در این مسیر، استفاده از ظرفیت‌های خاص و تأثیرگذاری آن‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۶) پذیرش تأثیر متقابل افراد و نهادها با تقریری که در این تحقیق در مورد سازوکار آن انجام شد امکان ایجاد شبهه دور باطل یا تسلسل را از بین می‌برد. از آنجا که افراد و نهادهای اجتماعی مربوط به هر نسل متفاوت است شبهه دور باطل به وجود نمی‌آید چراکه وقتی در جایی می‌گوییم نهادها شکل‌دهنده رفتار افراد هستند و در جای دیگر رفتار افراد است که شکل‌دهنده نهادهای اجتماعی است، افراد و نهادهای موجود در جمله اول با افراد و نهادهای جمله دوم، مربوط به نسل‌های متفاوت است و با یکدیگر فرق می‌کند. لذا امکان ایجاد شبهه دور باطل وجود ندارد. البته اینکه گفته شود علت رفتارها و انتخاب‌های نسل حاضر نهادهای نسل قبل و علت این نهادها رفتارهای نسل قبل است و این مسئله به صورت نامحدود ادامه یابد می‌تواند شبهه تسلسل را

به ذهن متبادر نماید. اما امکان وجود این شبهه نیز وجود ندارد. دلیل این مطلب هم در این نکته نهفته است که وقتی به عقب برمی گردیم واضح خواهد بود که در اولین نسل بشر این تنها افراد و اراده و اختیار آنها بوده که وجود داشته است بدون اینکه زمان قبل تری وجود داشته باشد و نهادهایی از آن زمان به ارث رسیده باشند. در واقع تصور وجود نهادهای اجتماعی بدون وجود خود انسانها امری ناشدنی است. نکته ای که هاجسون^{۱۹} نیز به آن اشاره کرده است (2007, 221).

۷) در نهایت، سازوکار این تحقیق در مورد تأثیر و تأثر فرد و نهاد در چند جمله جمع بندی می شود. انسان های نسل اول بنا بر اختیار خود و بدون وجود نهادهای اجتماعی پیشینی، یکسری قواعد و الگوهای رفتاری را در عمل برای خود برمی گزینند. لازم به اشاره است در این میان قواعد رفتاری انتخاب شده توسط گروهی از افراد که جزو خواص جامعه هستند می تواند بر انتخاب این قواعد توسط عوام تأثیرگذار باشد. در نهایت برآیند رفتار انسان های این نسل تحقق یکسری قواعد رفتاری است. این قواعد که می تواند جزو «سنتها»، «آداب و رسوم» یا «فرهنگ» جای بگیرد همگی در زمره نهادهای اجتماعی جای می گیرد؛ یعنی بخشی از تعریف نهاد که موضوع این تحقیق بوده است. این نهادها برای نسل بعد به ارث می رسد. نسل بعد می تواند با پذیرش آن همان مسیر نسل گذشته را ادامه دهد. کما اینکه عموم افراد جامعه بشری همین حالت را دارند. در این میان افرادی هستند که می توانند به جهت داشتن اراده های قوی در مواجهه با نهادهای اجتماعی به ارث برده، برخی یا همه آنها را قبول نکنند. این افراد اگر دارای شأن اجتماعی خاص و قدرت تأثیرگذاری بالایی در جامعه باشند می توانند با تغییر یا حذف برخی نهادها مسیر جامعه و تاریخ را تغییر دهند. نکته ای که در بخش «خواص و عوام» بدان اشاره شد.

اگر هم این تأثیرگذاری اجتماعی را نداشته باشند به علت اراده بالایی که دارند صرفاً خواهند توانست به صورت شخصی زندگی خود را متناسب با قواعد رفتاری که صحیح می‌دانند جهت‌دهی نمایند. به این نکته نیز در بخش «تفاوت در اراده‌ها» پرداخته شد.

۸) جامعه در سناریویی که ساختار نهادی موجود و تأثیراتش و همچنین رفتار و تأثیرات خواص تأثیرناپذیر مطلوب است و باعث شکل‌گیری رفتار مطلوب در خواص و عوام تأثیرپذیر می‌شود قطعا از کالای داخلی حمایت خواهد کرد. البته با این پیش‌فرض که رفتار عوام تأثیرناپذیر نیز مطلوب باشد. لذا با مطلوب بودن رفتار و تأثیرات هر چهار دسته و همچنین ساختار نهادی به نتیجه مطلوب خواهیم رسید.

۹) در سناریویی که ساختار نهادی و تأثیراتش نامطلوب اما رفتار و تأثیر خواص تأثیرناپذیر مطلوب باشد و بتواند بر تأثیر ساختار نهادی فائق آید در صورت مطلوب بودن رفتار عوام تأثیرناپذیر قطعا جامعه از تولید داخلی حمایت می‌کند.

اشاره به دو سناریوی فوق به عنوان تنها سناریوهایی که قطعا در آن جامعه از تولید داخلی حمایت خواهد کرد بدین معنا نیست که در سناریوهای دیگر از تولید داخلی حمایت نمی‌شود. در واقع در بیشتر سناریوهای دیگر هر دو رفتار (یعنی حمایت کردن یا حمایت نکردن از تولید داخلی) در میان دسته‌های مختلف مردم وجود دارد. اما اینکه در نهایت کدام رفتار بر دیگری فائق آید جای سؤال دارد. انتظار می‌رود پژوهش‌های آتی به این مسئله پرداخته و مشخص کنند که در سناریوهای دیگر کدام رفتار (حمایت یا عدم حمایت از کالای داخلی) فائق خواهد آمد و مؤلفه‌های تأثیرگذار در آن چیست.

یادداشت‌ها

1. Emile Durkheim
2. Rational Behavior

۳. از امام صادق علیه‌السلام در مورد اینکه آیا انسان‌ها در رفتارهای خود اختیار دارند یا اینکه مجبورند فرمودند هیچکدام. بلکه امری بین این دو امر یعنی جبر مطلق و اختیار مطلق.

مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِضَ وَلَا كَيْفَ أَمْرٍ بَيْنَ أَمْرَيْنِ قَالَ قُلْتُ وَمَا أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ قَالَ مَثَلُ ذَلِكَ رَجُلٌ رَأَيْتَهُ عَلَى مَعْصِيَةٍ فَهَيْئَتُهُ فَلَمْ يَنْتَهَ فَرَكَّتْهُ فَفَعَلَ تِلْكَ الْمَعْصِيَةَ فَلَيْسَ حَيْثُ لَمْ يَقْبَلْ مِنْكَ فَرَكَّتَهُ كُنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالْمَعْصِيَةِ (كلینی،

۱۴۰۷ق، ج ۱، ص. ۲۲۴)

4. Douglass North
5. Williamson
6. Historical institutionalism
7. Rational choice institutionalism
8. Sociological institutionalism
9. Rational behavior
10. Roy Bhaskar
11. Agent-Structure problem
12. Methodological Individualism

۱۳. لازم است دوباره تذکر داده شود که نهاد در این تحقیق به معنای ویژگی‌های رفتاری که در میان عموم افراد جامعه شیوع و عمومیت دارد می‌باشد.

۱۴. لا تصلح عوام امتی إلا بخواصها

15. Celebrity

۱۶. مطلوب بودن ساختار نهادی در اینجا به معنای آن است که نهادهای موجود در جامعه مثل آداب و رسوم و سنت‌ها و فرهنگ‌ها، افراد جامعه را به سمت حمایت و مصرف کالای داخلی جهت‌دهی می‌کنند و نامطلوب بودن آن بدین معناست که نهادهای موجود افراد را به مصرف کالای خارجی ترغیب می‌کنند.

۱۷. تأثیر خواص تأثیرناپذیر همان تأثیر (۳) و (۴) است.

۱۸. دقت شود اینکه در برخی مواقع از لفظ «مطلوب شدن» استفاده شده به معنای آن است که این رفتار جزو متغیرهای وابسته الگو محسوب می‌شوند. در واقع این رفتار در درون سناریو شکل می‌گیرد. این در حالیست که استفاده از لفظ «مطلوب بودن» به معنای آن است که متغیر مربوطه متغیر مستقل می‌باشد. یعنی اینکه این رفتار به عنوان پیش‌فرض سناریو مطرح است.

19. Hodgson

کتابنامه:

- قرآن کریم.
- الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۸۰). ترجمه قرآن، قم: فاطمه الزهرا.
- آرون، ر (۱۳۷۰). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. (ب. پرهام، مترجم) تهران: علمی فرهنگی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۲). *تحریر المواعظ العدویه فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذ الأعین*، نشر الهادی.
- مشهدی احمد، محمود (۱۳۹۲). *معنا و مفهوم نهاد در اقتصاد نهادگرا، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی ایرانی)*، سال سیزدهم، شماره ۴۸، ۴۹-۷۷.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). *آزادی معنوی*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ ۵۸.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *مجموعه آثار شهید مطهری*، جلد ۲۳، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (بی تا). *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی ۵ (جامعه و تاریخ)*، انتشارات صدرا.
- موسوی همدانی، سیدمحمدباقر (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- نراقی، احمد (۱۳۸۶). *معراج السعاده*، قم: دفتر نشر مصطفی.
- نورث، داگلاس (۱۳۸۵). *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی* (مترجم محمدرضا معینی)، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- وبلن، تورستین (۱۳۸۳). *نظریه طبقه مرفه (ترجمه فرهنگ ارشاد)*، نشر نی.

Holy Quran. (In Arabic).

Aron, Rymond (1991), *Basic Stages of Thought in Sociology (Translated by B. Parham)*, Tehran, Scientific and Cultural Pub, (In Persian).

Bishop, Peter, Hines Andy, Collins Terry (2007), *The Current State of Scenario Development: An Overview of Techniques*, Emerald Group Publishing Limited, Vol: 9, No.1, pp: 5-25.

- Dequech, David (2002), The Demarcation between the "Old" and the "New" Institutional Economics: Recent Complications, *Journal of Economic Issues*, Vol: XXXVI, No.2, pp: 565-572.
- Elahi Qumshei. Mahdi (2001), Translation of Holy Quran, Qom, Publication of Fateme Alzahra, (In Persian).
- Hall, Peter A. & Taylor, Rosemary C.R. (1996), Political Science and the Three New Institutionalisms, *Political Studies*, XLIV, pp: 936-957.
- Hodgson, Geoffrey (1998), The Approach of Institutional Economics, *Journal of Economic Literature* Vol. XXXVI, pp: 166-192.
- Hodgson, Geoffrey (۲۰۰۰), What Is the Essence of Institutional Economics ? *Journal of Economic Issues*, Vol: XXXIV, No.2, pp:317-329.
- Hodgson, Geoffrey M (2007), Meaning of Methodological Individualism, *Journal of Economic Methodology*.
- Koleini, Mohammad Ebn Yaqub Ebn Isaaq (1986), Alkafi, Tehran, Publication of the Center of Islamic Books. (In Arabic).
- Picavet Emmanuel (2015), Methodological individualism in sociology, Paris, University of Sorbonne.
- Tabatabaee, Sayed Mohammad Hossein (1996), The Criterion in The Interpretation of Quran, Publication of the Qom Seminary Teachers Association. (In Arabic).
- Mashhadi Ahman, Mahmoud (2013), The Meaning and Concept of Institution in Institutional Economics, *Quarterly Journal of Economic Research (Islamic-Iranian Approach)*, Thirteen year, Volume 48, pp: 49-77.
- Meshkini Ardabili, Ali (2003), Editing Numerical Sermons That Contain What the Souls Desire and Delight the Eyes, Publication of Alhadi. (In Arabic).
- Moosavi Hamedani, Sayed Mohammad Baqer (1995), Translation of Almizan Interpretation, Qom, Publication of the Qom Seminary Teachers Association, Fifth Edition. (In Persian).
- Motahari, Morteza (2013), Spiritual Freedom, Tehran: Publication of Sadra, Fifty-eight Edition. (In Persian).
- Motahari, Morteza (2010), The Collection of Motahari, Volume Twenty-three, Tehran, Publication of Sadra. (In Persian).
- Motahari, Morteza (No date), An Introduction to Islamic Worldview (Society and History), Publication of Sadra. (In Persian).
- Naraqī, Ahmad (2007), *Miraj Al-Saadah*, Qom, Mostafa Publishing Office. (In Arabic).
- North, Douglass (2006), Institutions, Institutional Change and Economic Performance (Translated by Mohammad Reza Moeeni), Publication of the Management and Planning Organization. (In Persian).
- Veblen, Thorstein (1909), The Limitation of Marginal Utility, *Journal of Political Economy*, Volume17, Number 9, pp:620-636.

- Veblen, Thorstein (2004), The Theory of Prosperous Floor (translated by Farhang Ershad), Publication of Nei.
- Williamson, Oliver E. (2000), The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead, Journal of Economic Literature, Vol. XXXVIII: pp. 595–613.